

یک مقام مسئول تشریح کرد: **خبر خوب از دریاچه ارومیه؛ ثبت رکوردی جدید در ۱۰ سال اخیر**



مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به بهبود تراز و افزایش چشمگیر وسعت دریاچه در نتیجه بارش‌های مطلوب و رهاسازی‌ها گفت: پایداری این وضعیت مستلزم توقف برداشت‌های غیرمجاز و اجرای کاهش ۴۰ درصدی سهم کشاورزی حوضه است.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، سعید عیسی‌پور درباره آخرین وضعیت دریاچه ارومیه به اینا اظهار داشت: اکنون تراز دریاچه ۱۲۷۰٫۹۳ و وسعت ۲۸۵۰ کیلومتر مربع است که رقم تراز در مقایسه با ۱۲۶۹٫۸۰ متر سال گذشته یک متر و ۱۳ سانتی متر بالاتر و وسعت دریاچه نیز نسبت به ۶۰۶ کیلومتر مربع سال قبل حدود ۲۲۴۴ کیلومتر مربع بیشتر شده است.

وی ادامه داد: ابتدای سال آبی تراز دریاچه ۱۲۶۹٫۵۰ متر و وسعت ۴۸۱ کیلومتر مربع بود که رقم تراز نسبت به ابتدای سال قبل یک متر و ۴۳ سانتیمتر و میزان وسعت نیز ۱۳۶۹ کیلومتر مربع بیشتر شده است.

مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه با بیان اینکه امسال به دلیل بارندگی خوبی داشتیم وضعیت دریاچه بهبود یافته است، اظهار داشت: اکنون در فصل تبخیر هشتم و تراز دریاچه کاهش‌ی است اما نگرانی وجود ندارد؛ تبخیر بخشی از شرایط طبیعی است. وی گفت: علاوه بر بارندگی، رهاسازی از سد کانی سبب با دبی حدود ۲۹ متر مکعب بر ثانیه نیز انجام می‌شود البته بخشی از این آب انتقالی توسط کشاورزان برداشت می‌شود که تقاضای می‌کنیم کشاورزان مراعات کنند چون این آب حقابه دریاچه است.

عیسی‌پور در ادامه با بیان اینکه دریاچه ارومیه در یک حوضه آبریز بسته واقع شده و تعداد ۱۲ رودخانه نسبتاً بزرگ منبع اصلی تأمین‌کننده حقابه این دریاچه هستند، گفت: بخشی از حقابه دریاچه از بارش مستقیم تأمین می‌شود، امسال ۴٫۵ میلیارد متر مکعب آب وارد دریاچه شدد که عمده‌تاز از رودخانه‌های اصلی حوضه دریاچه ارومیه بوده است، همچنین حدود ۲ میلیارد متر مکعب از سد بوکان، ۱۷۰ میلیون متر مکعب از سد مهپاد و ۴۷۰ میلیون متر مکعب از تونل زاب رهاسازی صورت گرفت، از سد قرچای، علویان و نهید در آذربایجان شرقی نیز مجموعاً حدود ۷۰ میلیون متر مکعب رهاسازی داشتیم، بخشی هم از بارش مستقیم بوده است.

وی بیان کرد: امسال آب مازادی از مسیر بارندگی مناسب در حوضه تولید شد و به سمت دریاچه روانه شد اما انتظار می‌رود این روند با برنامه‌ریزی انجام‌شود یعنی اینگونه نباشد که فقط آب مازاد را به دریاچه ارسال کنیم؛ باید حقابه دریاچه هر سال حفظ شود یعنی اگر بارش نرمال حوضه کم شد برنامه‌ریزی به گونه‌ای باشد که مدیریت‌شود که از حقابه همه بخش‌ها کم‌شود نه اینکه مانند آنچه در سال‌های قبل اتفاق می‌افتاد سهم کشاورزی و صنعت داده‌شود و فقط از سهم دریاچه کم‌شود.

مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه درباره انسدادچاه‌های غیرمجاز تصریح کرد: برنامه سالانه برای انسدادچاه‌های غیرمجاز دنبال می‌شود اما به دلیل اینکه در سال‌های قبل روند توسعه نامتوازن برنامه‌ریزی‌شده و هنوز هم ادامه دارد؛ سرعت برداشت غیرمجاز کم شده اما متوقف نشده و هنوز در بالادست انجام می‌شود هر چند اقداماتی انجام می‌شود اما باید با جدیت بیشتری دنبال‌شود. وی ادامه داد: هماهنگی خوبی بین دستگاه‌ها برای جلوگیری از برداشت غیرمجاز و رساندن آب به دریاچه ارومیه به حال انجام است ولی این روند نباید منقطع باشد، باید طی یک برنامه‌ریزی اصولی بین وزارتخانه‌های مرتبط مثل وزارت نیرو، جهاد کشاورزی پیگیری لازم صورت گیرد. به این ترتیب کاهش ۴۰ درصدی کشاورزی در این حوضه اجرایی‌شود تا حقابه دریاچه به‌طور کامل تأمین‌شود، همچنین انتظار می‌رود بر اساس مصوبات ستاد احیای دریاچه ارومیه برنامه‌ریزی تغییر الگوی کشت برای کاهش مصرف آب کشاورزی، جلوگیری از برداشت غیرمجاز و اضافه برداشت از آب‌های سطحی و زیرزمینی به‌صورت مستمر انجام‌شود. عیسی‌پور پیش‌بینی کرد که تا انتهای پاییز ۲ میلیارد و ۶۰۰ تا ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب در دریاچه داشته باشیم که این روند در ۱۰ سال اخیر مشاهده نشده است.

وی همچنین با بیان اینکه پیش‌بینی‌شده بارش‌های پاییز به‌موقع است و بخشی از حجم آب در محیط دریاچه باقی خواهد ماند، ابراز امیدواری کرد که این روند افزایشی همیشه برقرار باشد.

مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه خاطر نشان کرد: امسال به دلیل اینکه امیدی که در بهبود اوضاع دریاچه ایجاد‌شده، شاهد حضور تعداد زیادی از گردشگران از اقصى نقاط کشور در محدوده دریاچه بوده‌ایم، اقداماتی هم جهت ساحل‌سازی و لجستیک برای جذب گردشگر انجام می‌شود، در حال امیدواریم روند بهبود اوضاع ادامه داشته باشد تا دریاچه ارومیه به آغوش مهن باز گردد.



گروه راهبردی – مرتضی فاختری – هر چند واژه «قدرت اقتصادی» در ظاهر، آماری خوشایند از تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد، سطح اشتغال یا حجم ذخایر ارزی را تداعی می‌کند، اما حقیقت بسی ژرف تر از این گزاره‌های کمی است. قدرت اقتصادی در جهان امروز، بیش از آن که حاصل انباشت منابع خام یا حتی فناوری‌های پیشرفته باشد، زاییده «نظام تدبیر» در تعامل با جهان پیرامون است. اقتصادی که توان رقابت در عرصه بین‌المللی را دارد، نه به صرف فراوانی نفت یا وسعت خاک، بلکه به مدد کارایی نهاد‌های سیاست‌گذار، شفافیت قواعد بازی، سرعت واکنش به شوک‌های بیرونی و مهم تر از همه، «هوشمندی» در مدیریت مبادلات فرامرزی شکل می‌گیرد. این هوشمندی، چیزی جز حکمرانی بویا و آینده‌نگر بر جریان کالا، سرمایه، اطلاعات و نیروی انسانی در ورای مرز‌ها نیست. مبادلات خارجی، نبض تپنده هر اقتصاد باز به شمار می‌رود؛ اگر این نبض یا نظم‌ی ظریف و عالمانه تنظیم‌نشود، حتی قوی‌ترین ساختارهای تولیدی نیز به مرور دچار رکود، وابستگی یا شکنندگی خواهند شد. از این رو، پیوند میان «اقتصاد قدرتمند» و «حکمرانی هوشمند» در حوزه تجارت و ترانکش‌های بین‌المللی، نه یک انتخاب راهبردی که یک ضرورت وجودی برای بقا و تعالی در نظم نوین جهانی محسوب می‌شود.

برای درک این ضرورت، نخست باید از تصور سنتی حکمرانی صرفاً نظارتی یا انفعالی فاصله گرفت. بسیاری از دولت‌ها هنوز نقش خود را در مبادلات خارجی، محدود به وضع تعرفه، اعمال سهمیه یا کنترل نرخ ارز می‌دانند، حال آن‌که حکمرانی هوشمند، فراتر از این ابزارهای دستوری، به معنای «طراحی اکوسیستمی» است که در آن، هر تصمیم تجاری با چشم‌اندازی کلان از منافع ملی، ثبات مالی، امنیت زنجیره تأمین و جایگاه ژئوپلیتیکی کشور همسو می‌شود. چنین رویکردی، مستلزم به کارگیری داده‌های کلان، تحلیل روند‌های بلندمدت، پیش‌بینی رفتار بازیگران بین‌المللی و انعطاف‌پذیری در برابر سناریوهای متعدد است. در این چارچوب، مبادلات خارجی دیگر صرفاً خرید و فروش کالا نیست؛ بلکه عرصه‌ای برای مذاکره هوشمندانه قدرت، جایابی در زنجیره‌های ارزش جهانی، جذب سرمایه‌های مریک، انتقال دانش فنی و حتی نفوذ نرم در شبکه‌های اقتصادی فراملی به شمار می‌آید. اقتصادی که نتواند از مجرای مبادلات، خود را به‌روآمدترین حلقه‌های تولید و توزیع متصل‌کند، محکوم به عقب‌ماندگی تدریجی است، هر چند که از مواهب طبیعی بی‌نظیری برخوردار باشد.

اما هوشمندی در این مسیر، چگونه تحقق می‌یابد؟ پاسخ در سه رکن بنیادین نهفته است: «نهادسازی پویا»، «دیپلماسی اقتصادی فعال» و «مدیریت ریسک سیستمی». نخست، نهاد‌های متولی تجارت خارجی باید از ساختارهای بوروکراتیک صرفاً اداری فاصله گرفته و به اتاق‌های فکر عملیاتی بدل‌شوند که با بهره‌گیری از اقتصادسنجی، علوم داده و حقوق بین‌الملل، بسته‌های سیاستی متناسب با هر منطقه و هر کالا را طراحی‌کنند. برای نمونه، تنظیم تعرفه‌های ترجیحی با کشوری خاص، نه بر اساس روابط سیاسی مقطعی، بلکه بر مبنای مزیت‌های نسبی پویا، کشش‌های قیمتی و ظرفیت‌های جایگزینی در داخل، نیازمند مدل‌سازی پیچیده‌ای است که تنها نهادهای چابک و دانش‌بنیان از عهده آن بر می‌آید. همچنین، رویه‌های گمرکی، استانداردهای فنی و مقررات بهداشتی باید چنان تنظیم‌شوند که نه از یک سو مانعی غیر ضروری بر سر راه واردات مواد اولیه حیاتی ایجاد‌کنند و نه از سوی دیگر، دروازه‌های کشور را به روی کالا‌های بی‌کیفیت یا قاچاق بگشایند؛ این دقیقاً همان نقطه ظریف تعادلی است که حکمرانی کور دلانه یا سهل‌انگارانه، هر دو می‌توانند آن را برهم‌زنند، اما نگاه هوشمندانه با تکیه بر شاخص‌های شفاف و قابل‌پایش، این تعادل را حفظ می‌کند.

هابرپامی دارد. این رویکرد دوگانه، یعنی تشویق خلاقیت و مهار ریسک، در هیچ کتاب درسی استاندارد نمی‌گنجد و تنها از دل نهاد‌هایی بر می‌آید که فرهنگ یادگیری و بازیبنی مستمر در آنها نهادینه شده است.

در نقطه مقابل، چه اتفاقی می‌افتد اگر حکمرانی مبادلات خارجی، فاقد این هوشمندی باشد؟ پاسخ را می‌توان در نمونه‌های متعدد تاریخی جست و جو کرد؛ کشورهایی که به دلیل اتکای افراطی به درآمد‌های تک محصولی، ناگهان با سقوط قیمت‌های جهانی مواجه‌شدند و ذخایر ارزششان تهی‌گشت. یا آن‌هایی که با وضع تعرفه‌های سرسام‌آور، نه تنها از صنایع داخلی حمایت نکردند، بلکه رانت‌گسترده‌ای برای واردکنندگان انحصاری ایجاد کردند و کیفیت کالا‌های مصرفی را به شدت تنزل دادند. نیز کشورهایی که در مواجهه با تحریم‌ها، به جای طراحی مسیرهای جایگزین برای تأمین کالا‌های حیاتی، تنها به تکیه بر شعارهای انقباضی بسنده کردند و نتیجه، تورم مزمن و فرسایش سرمایه اجتماعی شد. تمامی این سرنوشت‌های تلخ، ریشه در یک نقیصه مشترک دارند: ناتوانی در خروانش صحیح از تحولات جهانی و فقدان ساز و کار‌های بازخورد سریع برای اصلاح سیاست‌ها. حکمرانی غیر هوشمند، همچون راننده‌ای است که فقط از آینه عقب به‌جاده نگاه می‌کند؛ گذشته را می‌بیند، اما از موانع پیش‌رو بی‌خبر است. بدیهی است که چنین راننده‌ای، هر قدر موتور ماشین قدرتمند باشد، سرنجام‌پر به‌رنگاه خواهد افتاد. از این رو، قدرت اقتصادی واقعی، هرگز در گرو حجم مبادلات، که در گرو کیفیت تدبیر پشت صحنه این مبادلات است.

اما چگونه می‌توان به این کیفیت تدبیر دست یافت؟ نخستین گام، تحول در نظام تصمیم‌گیری از مشورتی‌بسته به مشارکتی باز است. حکمرانی هوشمند، حکمرانی یک‌صدای دولت نیست؛ بلکه حاصل گفت‌وگوی مستمر میان قوه مجریه، بانک مرکزی، بخش خصوصی، اتاق‌های بازرگانی، دانشگاه‌ها و حتی نهاد‌های مدنی تخصصی است. این گفت‌وگو، نه تشریفاتی، که مبتنی بر ارائه داده‌های شفاف، تحلیل‌های علمی و سناریوهای محتمل صورت می‌گیرد. برای نمونه، پیش از امضای هر موافقت‌نامه تجاری، باید تأثیر آن بر هر صنعت داخلی با جزئیات کامل برآورد‌شود و راه‌کار‌های جبرانی برای صنایع آسیب‌پذیر طراحی‌گردد. همچنین، نرخ ارز به عنوان مهم‌ترین قیمت‌نسبی در اقتصاد، نباید صرفاً به دستور اداری تعیین‌شود، بلکه باید بازتابی از نیروهای بازار در چارچوبی مدیریت‌شده باشد تا انگیزه‌های صادراتی و وارداتی را به گونه‌ای متعادل‌سازد که نه صادرات غیر رقابتی یا یارانه‌دهد و نه واردات مواد اولیه را به‌کام مرگ‌کشاند. این توازن، حاصل نگاه سیستمی و بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده است که می‌توانند اثر متقابل نرخ ارز، تورم، دستمزد و بهره‌وری را شبیه‌سازی‌کنند و به سیاست‌گذار، هشدار‌های به‌هنگام ارائه‌دهند.

دومین گام، توجه به «نهاد‌های مرزی هوشمند» است؛ گمرکات، آزمایشگاه‌های کنترل کیفیت، بنادر و پایانه‌های زمینی، نه به عنوان ایستگاه‌های بازرسی صرف، بلکه به عنوان گره‌گاه‌های اطلاعاتی که جریان کالا و داده را به هم متصل می‌کنند، باید باز طراحی‌شوند. استفاده از سامانه‌های رهگیری مبتنی بر اینترنت اشیا، حاصل بخش‌های پیشرفته و سامانه‌های اعلام خودکار ریسک، امکان تشخیص تخلفات تجاری را با دقتی بی‌سابقه افزایش می‌دهد و در عین حال، زمان ترخیص را از هفته‌ها به ساعت‌ها کاهش می‌دهد. این شبان‌عملیاتی، نه فقط هزینه‌های لجستیکی را کاهش می‌دهد، بلکه اعتماد شرکای تجاری را جلب کرده و ایران را به عنوان یک کریدور مطمئن در منطقه معرفی می‌کند. چنین زیرساخت‌هایی، سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی می‌طلبد، اما بازگشت سرمایه آنها از طریق افزایش حجم مبادلات، کاهش قاچاق و بهبود جایگاه رقابتی، چندین برابر هزینه اولیه خواهد بود. غافل‌گیری بسیاری از سیاست‌گذاران وقتی رخ می‌دهد که در می‌یابند بخش عمده‌ای از عقب‌ماندگی تجاری، نه به تحریم‌ها، که به ناکارآمدی فرآیند‌های داخلی مرزی مربوط است؛ و این دقیقاً همان نقطه اتکایی است که حکمرانی هوشمند، با هزینه نسبتاً اندک، می‌تواند بیشترین بهره‌وری را از آن استخراج‌کند. در کنار این اقدامات فنی و نهادی، بعد انسانی همواره در بنیاد فراموش‌کرد. مبادلات خارجی، در نهایت، توسط انسان‌ها و برای انسان‌ها انجام می‌شود. نیروی انسانی ماهر، مسلط به زبان‌های خارجی، حقوق تجارت، اقتصاد بین‌الملل و فرهنگ مناطق هدف، گران‌بهاترین سرمایه یک کشور در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود. حکمرانی هوشمند، باید نظام آموزش عالی و پژوهشی را به‌سوی تربیت چنین افرادی سوق دهد و با ایجاد

«سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

«بازآرایی قدرت» حکمرانی هوشمند در آینه مبادلات خارجی

مشوق‌های مالی و حرفه‌ای، از خروج مغز‌های کارآمد در این حوزه جلوگیری‌کنند. همچنین، کارآفرینانی که وارد عرصه صادرات خدمات فنی و مهندسی، دانش‌بنیان یا خلاق می‌شوند، نیازمند مشاوره‌های تخصصی، معافیت‌های مالیاتی هدفمند و حمایت‌های حقوقی در قرارداد‌های بین‌المللی هستند. این حمایت‌ها، نه به شکل یارانه‌های گسترده و غیرمتمرکز، بلکه در قالب خدمات متمرکز اتاق‌های بازرگانی و مراکز رشد صادراتی تخصصی ارائه می‌شود تا اثر هدایت‌گری آنها دقیقاً به نقاط بازده اقتصاد معطوف‌گردد. به این ترتیب، مبادلات خارجی از یک فعالیت مقطعی و سسوداگرانه، به جریانی پایدار و ارزش‌آفرین تبدیل می‌شود که پیوند‌های عمیق اقتصادی را با شرکای راهبردی استحکام می‌بخشد.

حال، با این اوصاف، آیا می‌توان ادعا کرد که حکمرانی هوشمند، تمامی چالش‌های مبادلات خارجی را حل می‌کند؟ قطعاً خیر، زیرا ذات نظام بین‌الملل، همواره همراه با عدم قطعیت، رقابت منافع و قدرت‌های نامتوازن است. اما آن‌چه حکمرانی هوشمند به ارمغان می‌آورد، نه حذف چالش‌ها، که ارتقای ظرفیت پاسخ‌گویی به آنهاست. اقتصادی که دارای نظام هشدارزود هنگام، ذخایر راهبردی متنوع، شبکه گوناگون شرکای تجاری و انعطاف‌پذیری نهادی باشد، هر تکانه خارجی را به فرصتی برای بازآرایی استراتژی خود تبدیل می‌کند. به عنوان مثال، اعمال انگیزه‌های جدید از سوی یک شریک تجاری بزرگ، می‌تواند کالاهای صادراتی و افزایش بهره‌وری در داخل، به شرطی که سیاست‌گذار به جای واکنش احساسی، با سردی تحلیلی، آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت را تفکیک‌کند و بسته‌سیاستی متناسب در افق‌های زمانی مشخص طراحی‌نماید. این توانایی «واکنش هوشمندانه» است که قدرت یک اقتصاد را نه در دوران آرامش، که در طوفان‌های اقتصادی آشکار می‌سازد.

از منظر کلان‌تر، حکمرانی هوشمند در مبادلات خارجی، با حکمرانی داخلی پولی و مالی، پیوندی ناگسستنی دارد. سیاست ارزی، سیاست تجاری و سیاست بودجه‌ای، سه ضلع مثلثی هستند که هرگونه ناهماهنگی بین آنها، به ناکارآمدی کل سیستم می‌انجامد. برای نمونه، اگر بانک مرکزی برای کنترل تورم، نرخ بهره را افزایش دهد، در حالی که سازمان توسعه تجارت، همزمان متسوق‌های صادراتی مبتنی بر اعتبارات ارزان ارائه‌دهد، این دو سیاست در جهت متضاد عمل کرده و نه تنها به اهداف خود نمی‌رسند، بلکه هزینه سنگینی بر فعالان اقتصادی تحمیل می‌نمایند. از این رو، حکمرانی هوشمند، مبتنی بر ایجاد شورا‌های هماهنگی فرابخشی است که با حضور نمایندگان ارشد سه حوزه، تصمیمات یکپارچه و با افق میان‌مدت اتخاذ‌کنند و از تناقض سیاستی جلوگیری‌نمایند. این هماهنگی، نیازمند اراده سیاسی قوی و شجاعت کنار گذاشتن خودمحوری‌های سازمانی است، اما ثمرات آن، در قالب ثبات نسبی اقتصاد کلان و بهبود شاخص‌های ریسک کشور، چنان آشکار است که هر دولت عاقلی، آن را در صدر اولویت‌های خود قرار می‌دهد.

و اما در پایان، به جرئت می‌توان گفت که اقتصاد قدرتمند، نه موهبتی الهی و نه حاصل تصادف، که ساخته دست حکمرانی است که در بازی پیچیده مبادلات خارجی، به تسلط‌نخ بازی محافظه کار است و نه قمار بازی ریسک‌پذیر؛ بلکه مهندسی دقیق است که هر حرکت خود را با محاسبه احتمالات، شناسایی نقاط قوت و ضعف رقبیان و شناخت عمیق از قواعد پنهان نظم جهانی، برنامه‌ریزی می‌کند. چنین حکمرانی‌ای، مرز‌های سنتی حاکمیت را نه به عنوان دیوار، که به عنوان پلی برای تبادل منافع عادلانه به‌کار می‌گیرد و از این رهگذر، نه تنها ثروت مادی، بلکه اعتبار بین‌المللی، نفوذ منطقه‌ای و امید اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. در دنیایی که زنجیره‌های ارزش به سرعت بازآرایی می‌شوند، بلوک‌های تجاری جدید شکل می‌گیرند و فناوری، هر روز، قواعد کهنه را باطل می‌کند، تنها حکمرانی‌ای که توان بازخوانی مستمر منافع و بازطراحی راهبرد‌ها را داشته باشد، می‌تواند از گردونه رقابت خارج‌نشود. بنابراین، این جمله آغازین را اینگونه بازنویسی می‌کنیم: «اقتصاد قدرتمند، نه فقط نیازمند، که خود در گرو حکمرانی هوشمند در مبادلات خارجی است؛» و این گرو، همچون گرو و‌های سرنوشت‌ساز تاریخ، یا به اوج عظمت می‌انجامد یا به ورطه زوال. انتخاب مسیر، همواره در دست تصمیم‌سازانی است که جرأت دیدن جهان پیچیده را با چشمانی باز و ذهنی پویا دارند و از بازنگری مداوم داشته‌های نظری و تجربی خویش ابایی ندارند. این، همان راز ماندگاری قدرت در عصر سیالیت اقتصاد جهانی است.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر شتراتی

بدون شرح...



فریداعزیزی - اقتصاد سراسرآمد